

## تاریخ‌نگاری گردیزی در زین‌ال‌اخبار: رویکرد و روش<sup>۱</sup>

مجتبی خلیفه<sup>۲</sup>

استادیار گروه تاریخ، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

ستاره غفاری بیجاری

کارشناس ارشد تاریخ، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

### چکیده

عبدالحی گردیزی نویسنده زین‌ال‌اخبار یا تاریخ گردیزی از جمله آخرین مورخان دوره نخست غزنوی است. این مقاله بر آن است تا رویکرد و روش گردیزی در تاریخ‌نگاری را واکاود و بازنماید. اگرچه گردیزی به ظاهر تاریخ خود را در شمایل تاریخی عمومی نگاشته، اما بخش‌هایی از آن تاریخ سلسله‌ای و محلی است. گردیزی برخلاف بسیاری از مورخان سنتی و احتمالاً متأثر از رویکرد و آثار ابوریحان بیرونی به موضوعات و مباحث اجتماعی و قوم‌شناسی پرداخته و در این زمینه گزارش‌های ارزنده و سودمندی به دست داده است. در روایت‌های گردیزی گاه رگه‌هایی از تساهل مذهبی را می‌توان یافت؛ اگرچه رویکرد اعتقادی او نسبت به ادیان و مذاهب دیگر بی‌طرفانه نیست، اما نسبت به مورخان معاصرش تعصب مذهبی کمتری داشته است. گردیزی در برخی مواضع، هرچند گاه سطحی، دست به تبیین و تحلیل و نقد زده است، در نتیجه وی در برابر رویکرد عقلانی و نقلی موضعی میانه را برگزیده است. نقطه ضعف گردیزی پابندی بیش از حد به خلاصه‌نویسی است.

**کلیدواژه‌ها:** گردیزی، زین‌ال‌اخبار، تاریخ‌نگاری اسلامی، تاریخ‌نگاری فارسی، رویکرد اجتماعی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۸

۲. رایانامه (مسئول مکاتبات): [mkhalifeh@birjand.ac.ir](mailto:mkhalifeh@birjand.ac.ir)

## مقدمه

زین الاخبار گردیزی یکی از نخستین تاریخ‌های فارسی است که در دوره غزنوی نوشته شده است. آغاز و انجام نسخه موجود کتاب افتادگی دارد و از این روی دسترسی به اهداف و انگیزه‌های مورخ در نگارش کتاب بر ما روشن نیست. گردیزی زبان فارسی را برای تاریخ-نگاری برگزید و این عمل نخستین گام برای پیدایش تاریخ‌نگاری مستقل فارسی بود، اگر تاریخ بلعمی را صرفاً یک ترجمه به حساب بیاوریم و از این منظر زین الاخبار اهمیت زیادی دارد. نخستین بار ک. ا. باسورث در مقاله کوتاه به «تاریخ‌نگاری در دوره غزنوی» پرداخت که در آن عمدتاً به هدف منبع‌شناسی تاریخ غزنویان آثار بیهقی، گردیزی و عتبی معرفی شده است. ج. اسکات میثمی نیز در فصل غزنویان کتاب تاریخ‌نگاری فارسی ضمن معرفی منابع، به سبک و شیوه بیان و علت‌گزینش رویدادها و انگیزه مورخان و ممدوحان و مخاطبان آن‌ها از جمله گردیزی، پرداخته، اما او به مباحث اجتماعی مطرح در زین الاخبار و روش تبیینی گردیزی نپرداخته است. هم‌چنین ا. دنیل در بخشی از مقاله خویش با عنوان «ظهور و گسترش تاریخ‌نگاری فارسی» به معرفی گردیزی و کتاب زین الاخبار پرداخته و در نگاهی گذرا روش نگارش تاریخ گردیزی و فصول آن را بررسی کرده است. «بررسی اندیشه-های تاریخی-سیاسی مورخان عصر غزنوی با تکیه بر عتبی، بیهقی و گردیزی» عنوان مقاله‌ای است از بهمن شعبان‌زاده‌لمر که در آن نویسنده مدعی است با نگرشی معناکاوانه به تحلیل انگیزه‌ها، نیت و افکار سیاسی این سه مورخ پرداخته است. مقاله‌ای دیگر در حوزه ادبیات فارسی با عنوان «اندیشه سیاسی متجلی در ساختار روایت زین الاخبار گردیزی» نوشته محمدحسن جمشیدی و علی محمد مؤذنی به شناخت محرک اصلی گردیزی در نگارش تاریخ می‌پردازد. این مقاله روایت‌های گردیزی را بر اساس نظریه زمان ژرار ژنت، بررسی و تحلیل کرده است. مقاله حاضر متمایز از مطالعات پیشین است، چرا که بر این پرسش متمرکز شده که رویکردها و روش گردیزی در تاریخ‌نگاری چه بوده است؟ و بر آن است تا رویکردهای تاریخ‌نگاران گردیزی را از جنبه اجتماعی، اعتقادی، تبیینی و انتقادی

بررسی و تحلیل کند.

### گردیزی و زین‌الخبار

ابوسعید عبدالحمّی بن ضحاک بن محمود گردیزی نویسنده زین‌الخبار است. درباره زندگی شخصی و حرفه‌ای وی آگاهی‌های چندانی در دسترس نیست. تنها حدس‌هایی در این باره زده شده است؛ مثلاً میثمی معتقد است که احتمالاً گردیزی یکی از دبیران دون پایه دربار سلطان محمود بوده و یا شاید با آن گردیزی که از طرف خلیفه القادر برای مسعود عهد و لوای حکومت آورد، نسبتی داشته است.<sup>۳</sup> باسورث نیز اشاره کرده که ظاهراً گردیزی با دربار یا دیوان غزنویان در ارتباط بوده است.<sup>۴</sup> خود گردیزی به روشنی بیان می‌دارد که بسیاری از رویدادها را با چشم خویش دیده است، به‌ویژه راجع به رویدادهای عصر سلطان محمود از جمله لشکرکشی‌های هندوستان، فتح نیمروز، خوارزم و غیره؛<sup>۵</sup> این خود نشانه‌ای است بر این‌که به احتمال زیاد از کارگزاران دیوانی عصر غزنوی بوده است.

بر اساس محاسبات حبیبی سال تولد گردیزی احتمالاً در حدود ۴۰۰ هـ، بوده، زیرا او شاهد برخی از وقایع عصر محمودی بوده است. در نتیجه می‌توان گفت در عصر فتوحات سلطان محمود حداقل ۲۰ ساله بوده است. گردیزی فتنه طغرل در عهد سلطان عبدالرشید را درک نکرده، زیرا برای سلطان دعای «ادام سلطانه»، که حال استمراری است را نگاشته است. بر این اساس احتمالاً کمی قبل از ۴۴۴ هـ یعنی سالی که فتنه طغرل (کافر نعمت) و سقوط عبدالرشید روی داده، درگذشته است.<sup>۶</sup>

---

۳. میثمی، ۹۵، ۹۶.

۴. باسورث، ۴۵.

۵. گردیزی، ۳۷۹.

۶. حبیبی، ۱۹-۲۰.

به نظر می‌رسد زین الاخبار بین سال‌های ۴۴۱ تا ۴۴۳ هـ نوشته شده باشد.<sup>۷</sup> به عقیده حبیبی نام زین الاخبار، از روی لقب سلطان عبدالرشید یعنی زین‌الملک برگرفته شده است.<sup>۸</sup> گردیزی در کتاب خویش به موضوعات متنوعی پرداخته، ولی تمرکز اصلی وی بر تاریخ خراسان بوده است. او ابتدا خلاصه‌وار به تاریخ ایران باستان در پنج بخش می‌پردازد: ۱. پادشاهی طهمورث تا طهماسب (با توجه به این‌که بخش‌های نخستین کتاب در دسترس نیستند، این قسمت از طهمورث آغاز شده است) ۲. سلسله کیانیان از کی قباد تا دارا ۳. ملوک الطوایف، از پادشاهی اسکندر تا اردوان ۴. ساسانیان، از سلطنت اردشیر بابکان تا قباد ۵. آکاسره، پادشاهی خسرو انوشیروان تا انقراض ساسانیان. گردیزی در این بخش‌ها به تاریخ باستانی ایران را در دو وجه اسطوره‌ای و سیاسی به مثابه یک میراث روایت کرده است.<sup>۹</sup>

گردیزی سپس باز هم به اختصار تاریخ پیامبر(ص)، خلفای راشدین، بنی‌امیه و بنی‌عباس تا خلیفه القائم را ذکر می‌کند و در واقع در این بخش فقط اشاراتی به این دوره‌ها کرده و گذر می‌کند. او سپس بر ذکر اخبار امرای خراسان متمرکز می‌شود؛ در این بخش داده‌ها و گزارش‌های او مفصل‌تر است. از این رو می‌توان گفت زین الاخبار ترکیبی از سه گونه تاریخ‌نگاری اسلامی - ایرانی، یعنی تاریخ عمومی، تاریخ سلسله‌ای و تاریخ محلی است. اگرچه میثمی تنها بر ترکیب تاریخ سلسله‌ای و عمومی در زین‌الأخبار تأکید می‌کند.<sup>۱۰</sup> با آغاز شدن تاریخ سلسله‌گرنوی، گردیزی باز هم بر اختصار کلام خویش تأکید می‌کند. او می‌نویسد: «آغاز کردیم به گفتن اخبار یمین‌الدوله رحمة الله علیه بر طبق ایجاز و

۷. همو، ۱۹.

۸. همو، ۲۰.

۹. شعبانزاده لمر، ۱۰۶.

۱۰. میثمی، ۱۰۹.

اختصار».<sup>۱۱</sup> همین اصرار گردیزی بر خلاصه‌نویسی و عدم ارائه‌ی جزئیات، سبب شده تا ناظم تاریخ‌نگاری وی را خشک، بی‌روح و بی‌احساس توصیف کند.<sup>۱۲</sup> گردیزی وقایع‌نگاری خویش را تا به سلطنت رسیدن ابوالفتح مودود بن مسعود ادامه می‌دهد.<sup>۱۳</sup> سپس با قطع روایات، به بیان تواریخ (تقویم) چهارگانه، اعیاد و سبب آن‌ها، احوال و انساب و معارف هندیان می‌پردازد.

آن‌چنان که گردیزی در اثر خود اشاره کرده‌است وی سه مرجع برای نوشته‌های خود داشته‌است. نخست رویدادهایی که خود شاهد آن‌ها بود که به ویژه بخش اعظمی از رویدادهای دوره غزنوی را شامل می‌شود. بخش دوم نیز روایات و گفته‌هایی است که از دیگران شنیده و از آن‌ها تحت عنوان «ثقات» یا «بعضی ثقات» یاد کرده‌است.<sup>۱۴</sup> وی گاه نام این افراد را نیز ذکر می‌کند. از جمله اشاره می‌کند که شخصا با ابوریحان بیرونی ارتباط داشته و مطالبی از وی شنیده‌است.<sup>۱۵</sup> یا از یکی از همشهریان‌ش به نام احمد بن ولک گردیزی یاد می‌کند که روایت‌هایی از او شنیده‌است.<sup>۱۶</sup> دسته دیگر نیز منابع مکتوب است. گردیزی تنها در بخش انساب و معارف ترکان که البته بخش مفصلی است اغلب از منابع خود یاد کرده‌است. اهمیت مطالب این بخش از این نظر است که اغلب این منابع امروزه برجای نمانده‌اند. از جمله گردیزی در زمره آثار مورد استفاده خود به کتاب ریع الدنیا اثر ابن-مقفع<sup>۱۷</sup>، دو کتاب اخبار و ادب سماع از ابن‌خردادبه<sup>۱۸</sup>، مسالک و ممالک جیهانی<sup>۱۹</sup> و نیز اثر

---

۱۱. گردیزی، ۳۷۹.

12. Nazim, 5-6.

۱۳. گردیزی، ۴۴۰.

۱۴. همو، ۳۹۹، ۴۰۰.

۱۵. همو، ۵۳۸.

۱۶. همو، ۶۱۵.

۱۷. همو، ۵۴۶.

۱۸. همو، ۵۷۴، ۵۹۷، ۶۱۸.

ابوزید بلخی اشاره کرده است. در نگارش بخش تاریخ امرای خراسان زین الاخبار<sup>۲۰</sup> هم به احتمال زیاد از کتاب از بین رفته تاریخ ولایة خراسان، نوشته ابوعلی حسین سلامی بهره برده است. چنانکه بارتولد بی تردید معتقد است که کتاب سلامی منبع اصلی مؤلفانی بوده که اطلاعات مفصلی درباره خراسان و ماوراءالنهر ارائه می دهند، به ویژه گردیزی و ابن اثیر.<sup>۲۱</sup> گردیزی به صراحت به استفاده خود از «کتب خواجه ابوریحان»<sup>۲۲</sup> نیز اشاره می کند. مهم ترین بخش زین الاخبار روایت های وی از دوره غزنویان است. گردیزی خود شاهد وقایع بوده و در آغاز روایت سلطنت محمود غزنوی بر این مسأله تأکید زیادی کرده است: «اما این اخبار بیشتر از وی آن بوده است که به رأی العین خویش بدیدم»؛<sup>۲۳</sup> این روایات گاهی مفصل نوشته شده اند و در واقع اثر عتبی را تکمیل می کند چون تاریخ یمینی شامل دهه آخر سلطنت محمود نیست.<sup>۲۴</sup>

خواننده در نگاه نخستین به زین الاخبار با از هم گسیختگی، تنوع روایات و تلخیص بیش از حد روبه رو می شود. به نظر میثمی این از هم گسیختگی ها، بیانگر یک امر است و آن مشروعیت بخشی همراه با کلامی ستایش آمیز درباره غزنویان؛ زیرا زین الاخبار مجموعه ای از انتقال قدرت هاست که غزنویان پایان دهنده این زنجیره هستند.<sup>۲۵</sup> اگر این چنین باشد، اندیشه و انگیزه تاریخ نگاران گردیزی با عتبی قابل مقایسه است. عتبی نیز تاریخ خویش را با هدف مشروعیت بخشی به سلطان محمود برای مخاطبانی از قبل مشخص شده، نگاشته است.

۱۹. همو، ۵۹۷.

۲۰. رک. همو، ۲۲۶-۳۰۴.

۲۱. بارتولد، ۵۲.

۲۲. گردیزی، ۴۴۹.

۲۳. همو، ۳۷۹.

۲۴. باسورث، ۴۸.

۲۵. میثمی، ۹۶، ۱۰۹.

حال پرسش اساسی درباره گردیزی این است: مخاطبان او چه کسانی بوده‌اند؟ سؤالی که میثمی برای آن چندین نظر ارائه می‌دهد. به باور میثمی، سبک ساده و نثر غیر مصنوع گردیزی در زین‌الخبار، هدف آموزشی و تربیتی وی را نشان می‌دهد. از این رو شاید زین‌الخبار برای تعلیم درباریان، یا برای ترغیب سلطان عبدالرشید نگاشته شده تا با پدرش محمود، در شکوه رقابت کند و شاید هم برای آموزش حکومت‌داری به شاهزادگان نوشته شده است.<sup>۲۶</sup> هر یک از این احتمالات می‌توانند صحیح باشد، اما در این میان نکته‌ای درباره نثر گردیزی فراموش شده است. استفاده گردیزی از نثر ساده لزوماً به معنای تربیتی بودن مقصود وی نیست. در واقع زین‌الخبار جزء اولین متون تاریخ‌نگاری مستقل فارسی است و در ادبیات فارسی اولین آثار، بی‌آلایش هستند و بعداً طی گذشت زمان تکلف وارد نثر فارسی شد. از نگاه ترکمنی آذر<sup>۲۷</sup> هدف گردیزی «احیای هویت ایرانی» بوده است. به کار بردن زبان فارسی و نقل تاریخ ایران در زین‌الخبار، سبب شده تا افتخارات ایرانیان گذشته به نسل‌های بعدی منتقل شوند و زمینه برای زنده نگاه داشتن هویت مستقل ایرانی فراهم شود. به نظر می‌رسد این نگاه نیز کمی آرمان‌گرایانه و برخاسته از اندیشه‌های ملی-گرایانه امروزی است. شاید بتوان گفت در کنار جاودان‌سازی تاریخ غزنویان به عنوان انگیزه‌ای برای نگارش زین‌الخبار، هدف گردیزی، صرفاً نگارش تاریخ بود، به عنوان یک علم؛ علمی که در این سال‌ها در حال رهایی از دانش حدیث و سلطه محدثان بود.

### رویکرد اجتماعی

تاریخ اجتماعی مشتمل بر مباحث گوناگونی چون مطالعه زندگی توده‌های مردم، انسان-شناسی، قوم‌شناسی، فرهنگ عامیانه و تاریخ اقتصادی است.<sup>۲۸</sup> با توجه به طیف گسترده

۲۶. همو، ۱۰۹.

۲۷. ترکمنی آذر، ۴۶.

۲۸. رک. موسی پور، ۱۴۳-۱۴۷.

رویکردهای اجتماعی در تاریخ‌نگاری می‌توان گزیده‌هایی از این رویکرد را در زین‌ال‌اخبار یافت. گردیزی در زین‌ال‌اخبار با حساسیتی که به خلاصه‌نویسی نشان می‌دهد، از شناخت اقوام و ملل گوناگون غافل نمی‌ماند.

قوم‌نگاری یکی از ویژگی‌های مهم تاریخ‌نگاری گردیزی است. وی حجم قابل‌توجهی از تاریخ خود را به تاریخ و فرهنگ اقوام مختلف اختصاص داده‌است؛ هر چند برخی مباحث مطرح شده توسط وی، از جمله مباحث مربوط به معارف هندوان<sup>۲۹</sup> بیشتر برگرفته از آثار ابوریحان است، اما در مطالب مربوط به اغوزها و دیگر طوایف ترک اطلاعات بی‌نظیری ارائه می‌دهد. به‌عنوان نمونه در مورد مذهب باستانی اغوزها یعنی شمنیسم، با تکیه بر نویسندگانی چون ابن مقفع اطلاعات ارزشمندی آورده‌است. داستان باور اغوزها به سنگ باران در این مورد به تفصیل بیان شده‌است.<sup>۳۰</sup> گردیزی در احوال و انساب ترکان، علاوه بر ابن مقفع از ابن خردادبه نیز بهره برده و می‌افزاید که ترکان از نژاد چینیان هستند و نوح ولایت ترکستان را به پسرش یافت بخشید. از آنجایی که منطقه‌ای بی‌آب و علف است آن را ترک نامید. گردیزی ترکان را «تنک موی و تنک خوی» معرفی می‌کند.<sup>۳۱</sup> خلخ، کیماک، یغمانیان، خرخیزیان، تبتیان، برسخان، غزان، بجنانکیان، خزران، برداس، بلکار، آلان‌ها، چگل و ترکشی از جمله اقوامی هستند که گردیزی از آن‌ها یاد کرده‌است.<sup>۳۲</sup> زین‌ال‌اخبار از نخستین منابعی است که در آن از تاتارها یاد شده‌است.<sup>۳۳</sup> ذکر چینیان و اقوام آن سوی چین نیز در زین‌ال‌اخبار آمده‌است.<sup>۳۴</sup>

گردیزی جسته و گریخته از معیشت و زندگانی مردم نیز گزارش‌هایی به‌دست داده

۲۹. گردیزی، ۶۱۲.

۳۰. همو، ۵۴۶-۵۴۷.

۳۱. همانجا.

۳۲. رک. گردیزی، ۵۴۸-۵۸۶.

۳۳. گردیزی، ۵۴۹-۵۵۴.

۳۴. همو، ۵۷۳، ۵۷۶.



است. باسورث او را مورخی بی‌عاطفه و خونسرد در برابر روایات مختلف معرفی می‌کند؛<sup>۳۵</sup> شاید به این دلیل که نثر فارسی ساده او نمی‌تواند مانند نثرعتبی، منتقل‌کننده احساسات درونی مورخ باشد. ولی گردیزی مردم را می‌بیند چه در گذشته و چه در زمان معاصرش و زندگی آنان را، تا حدی که به موضوع تاریخ عمومی‌اش لطمه نزند، شرح می‌دهد. درباره شیوع وبا در بغداد به روزگار خلیفه متقی بالله گردیزی می‌نویسد: «مردمان بسیار بمردند و کار به آن‌جا رسید که از کفن کردن مردگان عاجز شدند. پس متقی بفرمود تا هر روز دویست دینار اندر بهای کفن مردگان بدادندی».<sup>۳۶</sup> یا وقوع زلزله در فرغانه به سال ۲۲۴، که سبب نابودی منازل و قنات‌ها شد. مردم پیوسته به شکایت نزد عبدالله می‌آمدند، زیرا در باب کاریز در فقه و سنت موضوعی وجود نداشت. پس عبدالله علمای خراسان و برخی از دانشمندان عراق را جمع نمود تا کتابی در احکام قنات تدوین کنند و این‌گونه مشکلات مردم حل شد.<sup>۳۷</sup> خشکی تاریخ‌نگاری گردیزی شاید در این روایت از زلزله ناحیه نساء نمایان شود. «اندر ذی الحجه سنه احدی و ثلثین و ثلثمائه زلزله خاست به ناحیت نساء و بسیار ده‌ها را ویران کرد و افزون بر پنج هزار مردم زیر گل شدند».<sup>۳۸</sup>

نکته اساسی در مورد تاریخ‌نگاری گردیزی دو پاره بودن احساسات اوست. به این معنا او روایات پس از جلوس سلطان محمود را پر احساس‌تر و با اشتیاق بیشتری وصف می‌کند؛ گردیزی به این بخش از کتاب علاقه بیشتری نشان داده‌است.<sup>۳۹</sup> در مواردی مانند شکایت‌های مردم از علی‌تگین نزد محمود و یا روزگار خوش آغاز حکومت امیر محمد به وضعیت مردم در عصر غزنوی می‌پردازد. «چون سنه خمس عشر و اربع مائه اندر آمد، امیر محمود

۳۵. باسورث، ۴۸.

۳۶. گردیزی، ۱۹۶.

۳۷. همو، ۳۰۱-۳۰۲.

۳۸. همو، ۳۴۰.

۳۹. فروزانی، ۱۶.

رحمة الله قصد بلخ کرد که آنجا شود و زمستان بیاشد و چون به بلخ رسید به هر وقت متظلمان علی تگین از جانب ماوراءالنهر به نزدیک وی همی آمدند و از علی تگین تظلم همی کردند، که ناروایی های بسیار می کند و مردمان را همی به درد دارد و بر رعایا و اهل صلاح از وی رنج است و چون تظلم بسیار شد، امیر محمود قصد کرد که آن مسلمانان را از رنج و بلاها برهاند.<sup>۴۰</sup>

و چون امیر محمد پس از پدر به سلطنت رسید «کارهای ولایت بگشاد و عیش بر مردمان خوش گشت». قیمت ها کاهش یافت و بازاریان و لشکریان شاد شدند و چون اخبار رونق غزنین به شهرهای دیگر رسید، بازرگانان از دور و نزدیک کالاهای برگزیده خود را به پایتخت می آوردند. در این روایت به جز مبحث اجتماعی نکته قابل تأمل دیگری نیز نهفته است و آن پیروی مورخ از امیر محمد در برابر مسعود است. گردیزی در ادامه این روایت می افزاید: «و با این همه نیکویی که او [امیر محمد] به جای رعیت و لشکری کرد، حشم و رعایا را میل به امیر شهاب الدوله ابوسعید مسعود بن یمین الدوله بود و او را خواستند». <sup>۴۱</sup> به نظر می رسد که گردیزی در ابتدا در جناح طرفداران امیر محمد (پدریان) بود که حسنگ وزیر در رأس آنها قرار داشت.

به جز این موارد، توجه گردیزی به زندگی ملل دیگر هم قابل توجه است. مثلاً وقتی سرزمین ختن را وصف می کند این رویکرد وی نمایان است. گردیزی می نویسد در ختن معابد بسیاری وجود دارد و دو کلیسا هم دارند. «اندر بازار او قجبان باشند و زنان بدکار. همه مردان و زنان ایشان موی فرو هشته دارند» با لباس هایی به مانند جامه اعراب. در این ولایت میوه فراوان یافت می شود و ابریشم نیز بسیار دارند هم چنان که لباس های ابریشمی می پوشند.<sup>۴۲</sup>

۴۰. گردیزی، ۴۰۴.

۴۱. همو، ۴۲۰.

۴۲. همو، ۵۷۷-۵۷۸.

ویژگی دیگر تاریخ‌نگاری گردیزی، دین‌پژوهی و دین‌شناسی و به عبارتی تاریخ‌نگاری دینی بوده است. وی به تفصیل باورهای مذاهب مختلف از جمله یهود، مسیحیت و دین زرتشت را از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده است.<sup>۴۳</sup> در این مبحث پرداختن به مذهب اغوزها پیش از اسلام آوردن آن‌ها مهم به نظر می‌رسد. گردیزی به مذهب اغوزها «تُغْزَاغُوز» اشاره کرده که در قلمرو تغزخاقان چهار مذهب مانوی، مسیحی، زرتشتی و شمنی وجود داشته است.<sup>۴۴</sup> گردیزی به موضوع اسلام آوردن غزها نیز می‌پردازد. به اشاره وی در زمان امیر اسماعیل منتصر (ف ۳۹۵ هـ) که وی با امیر محمود غزنوی درگیر بوده است؛ ترکان غز به رهبری ییغو [احتمالاً موسی ییغو] به خدمت اسماعیل پیوسته و اسلام آورده است.<sup>۴۵</sup>

گردیزی بخش مربوط به جدول اعیاد و روزهای مسلمانان، یهودیان، نصارا و به گفته وی «مغان» را از آثار الباقیه نوشته و مطالب ابوریحان را با اختصار نقل کرده است. به جز این موارد تکراری بخش‌های در رابطه با ترکان در این مبحث اهمیت دارد. مثال‌های زیر گویای میزان اهمیت گردیزی در توجه به مسائل اجتماعی و به خصوص رویکرد مردم‌شناسانه است؛ در این مورد شاید بتوان او را هم پای ابوریحان معرفی کرد. زیرا در این جا تکرار مباحث مطرح نیستند بلکه میزان توجه مورخ در تاریخ‌نگاری خویش به این گونه مطالب، ملاک است.

گردیزی اقوام مختلف و متنوعی را برای خواننده مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. او به آداب دفن مردگان در میان این اقوام توجه نشان می‌دهد. برای مثال گردیزی توضیح می‌دهد که در میان قوم برداس (برلاس)، دو گروه وجود دارند. دسته‌ای مرده را می‌سوزانند و

۴۳. گردیزی، ۴۶۹-۵۳۰.

۴۴. همو، ۵۶۹.

۴۵. همو، ۳۸۲-۳۸۳.

دسته‌ای دیگر آن را به خاک می‌سپارند.<sup>۴۶</sup> گردیزی برای دفن مردگان در مملکت سریر، جزئیات بیشتری را ارائه می‌دهد. این مردم شیر می‌پرستند و زمانی که شخصی از ایشان مرد، آن را در میدان شهر به مدت سه روز قرار می‌دهند. در پایان روز سوم با لباس رزم و شمشیرها دور جسد جمع می‌شوند و به گمان خود آن را می‌ترسانند و سپس دفن می‌کنند. «که سبب این آن بود که مردی از ایشان بمرد و او را به گور کردند و چون روز سه دیگر بود، از گور برآمد و چون از وی پرسیدند، گفت: حال از من غائب شده بود، شما مرا به گور کردید. پس جان اندر گور به نزدیک من بازآمد. برخاستم و بیرون آمدم. اکنون چون کسی از ایشان بمیرد او را سه روز به گور نکنند».<sup>۴۷</sup> این چنین روایاتی نشان می‌دهند که گردیزی نه تنها با بینشی جهانی به نگارش تاریخ پرداخته‌است، بلکه تلاش نموده ظرایف و نکات فرهنگی اقوام گوناگون را ذکر نماید.

زین الاخبار گردیزی منبعی مهم برای ردیابی مغول‌ها و مغولستان پیش از به حکومت رسیدن آن‌ها است. زیرا وی در چندین بخش از کتاب خود به اشخاص یا مکان‌های جغرافیایی متعلق به مغولان اشاره کرده‌است. در بحث از کیماک‌ها از «مهرت تاران» یاد کرده<sup>۴۸</sup> و یا از واژه‌های مغولی تار، اُغراق، اوکتاغ یا اوکتاغ استفاده کرده‌است.<sup>۴۹</sup> هم‌چنین به منطقه ایسغ کول در مغولستان و چککیان ساکن اطراف آن دریاچه اشاره نموده‌است.<sup>۵۰</sup>

### رویکرد اعتقادی

رویکرد اعتقادی و مذهبی گردیزی را می‌توان در اخباری که در مورد زرتشتی‌گری، هندوان،

۴۶. گردیزی، ۵۸۳.

۴۷. همو، ۵۹۳-۵۹۴.

۴۸. همو، ۵۴۹.

۴۹. همو، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳.

۵۰. همو، ۵۶۶.

اسماعیلیه و خلفای نخستین آورده، دریافت. در پسِ نثر خشک گردیزی، گرایش‌های مذهبی وی نمایان می‌شود. جهان‌بینی گردیزی بر اساس کلام ماتریدیه شکل گرفته‌است. زیرا گردیزی در سرزمینی می‌زیست که این نوع از تفکر حاکم بوده، از این رو گردیزی تقدیرگرای مطلق نبوده‌است.<sup>۵۱</sup> گردیزی در اثر خود دیدگاه منفی‌اش را نسبت به زرتشتی‌گری نشان داده و تلاشی برای دوری از تعصب یا بی‌طرفی نکرده‌است. او دین زرتشت را آتش-پرستی می‌نامد و می‌نویسد: «کی گشتاسب چون به پادشاهی نشست، به روزگار او زردشت بن پورشسب بن فیراسپ بیرون آمد از مردمان آذربایجان، از شهر موقان. و دین مغی و آتش پرستی، کیش وی بیامد کتاب اوستا آورد و آتش‌پرستی فرمود و نکاح اهل حرمت جائز کرد».<sup>۵۲</sup> گردیزی مانند عتبی، با نگاهی عقیدتی جنگ‌های سلطان محمود در هند را وصف می‌کند. «... پس صف‌ها بکشیدند و دست به حرب بردند. خدای عزوجل مسلمانان را نصرت داد و امیر محمود رحمة الله فیروزی یافت و جیپال مقهور گشت. و کافران نابود شدند و مسلمانان اندر آن معرکه پنج هزار کافر را کشته بودند...».<sup>۵۳</sup> گردیزی درباره ساخت مساجد در هند می‌نویسد: «و اندر این سال [سلطان محمود] فرمود هر جای که گشاده بود از دیار کفر، مسجدهای جامع ساختند و استادان را فرمود تا به هر جای فرستادند، تا مر هندوان را شرایط اسلام بیاموختند».<sup>۵۴</sup>

گردیزی نسبت به مورخان معاصر خود کمتر به اسماعیلیه پرداخته، هر چند که همان تلقی عمومی عنادورزانه غزنویان را در برابر اسماعیلیان دارد. او برخلاف عتبی که مفصل به موضوع تاهرتی پرداخته، در چند جمله داستان تاهرتی را به پایان می‌رساند: «و هم اندرین سال رسول عزیز مصر آمد که او را تاهرتی گفتندی. و چون نزدیک خراسان رسید، فقها و

۵۱. ترکمنی آذر، درآمدی بر تاریخ‌نگاری در ایران، ۱۶۷.

۵۲. گردیزی، ۵۱.

۵۳. همو، ۳۸۶.

۵۴. همو، ۳۹۵.

اهل علم گفتند که این رسول به دعوت عزیز مصر همی آید و بر مذهب باطنیان است. چون محمود این خبر بشنید، نیز مر آن رسول را پیش خویش نگذاشت. و بفرمود تا او را به حسن بن طاهر بن مسلم العلوی سپردند و حسن، تاهرتی را به دست خویش گردن بزد به شهر بست.<sup>۵۵</sup> گردیزی هم چنین در گزارش حمله دوباره محمود به مولتان عقاید ضد اسماعیلی خویش را نشان می دهد، هر چند این جملات بیشتر جنبه توصیفی دارند تا موضع گیری مذهبی: «... و باقی که از ولایت ملتان مانده بود به تمامی بگرفت و قرامطه که آن جا بودند بیشتر از ایشان بگرفت و بعضی را بکشت و بعضی را دست ببرید و نکال کرد».<sup>۵۶</sup>

گزارش گردیزی از چگونگی قتل سه خلیفه نخستین، عمر، عثمان و علی (ع)، این تصور را ایجاد می کند که او شاید شیعه بوده باشد. درباره قتل عمر آورده: «او را ابولؤلؤ غلام مغیره کشت»؛<sup>۵۷</sup> قتل عثمان را نیز چنین وصف کرده: «پس غوغا اندرو افتاد و او را بکشتند»؛<sup>۵۸</sup> اما درباره علی (ع) از تعبیر «شهادت» بهره برده: «و پیغمبر ما (ص) او را بستود و گفت: این ابنی هذین سید الشباب اهل الجنة و ابوهما خیر منهما یعنی الحسن و الحسین و ابوهما علی خیر منهما. و بسیار خبر آمده است اندر فضل او و آیت آمده است اندر شأن او. آخر کشته شد و شهادت یافت بر دست عبدالرحمن بن ملجم مرادی».<sup>۵۹</sup> گردیزی هم چنین از روز عاشورا و مراسم شیعیان در آن روز یاد کرده: «... بسیار مردم از هر جا به کربلا آیند به زیارت گور حسین رضی الله عنه، و آن جا دعا گویند، و شیعه آن روز را بزرگ دارند، و اندر و صدقه دهند، و بر حسین علی رضی الله تعالی عنهم نوحه کنند، و بر یزید لعنت کنند».<sup>۶۰</sup> با این همه نگارنده با التون دانیل هم نظر است که گردیزی شیعه نبود، بلکه

۵۵. گردیزی، ۳۹۳-۳۹۴.

۵۶. همو، ۳۹۱.

۵۷. همو، ۱۲۹.

۵۸. همو، ۱۳۰.

۵۹. همو، ۱۳۲.

۶۰. همو، ۴۵۴.

اظهار ارادت و دوستاری نسبت به علی(ع)<sup>۶۱</sup> نوعی احساس همگانی و طبیعی در مناطق شرقی جهان اسلام بوده است.<sup>۶۲</sup> به کار بردن عبارت دعایی «رضی الله عنه» برای امام حسین که عادت مألوف اهل سنت است، خود نشانه‌ای است بر سنی بودن وی.

### روش انتقادی و تبیینی

روش انتقادی در نگارش تاریخ هم شامل نقد و تفسیر منابع و مورخان پیشین می‌شود و هم انتقاد از افراد و عملکردهایشان و ساختارها اعم از سیاسی و اجتماعی و... را در بر می‌گیرد. تأکید گردیزی بر ایجاز و اختصار مجال هر گونه انتقادهای نهادی و به ویژه نقد منابع را از وی گرفته است. گردیزی چندان کوششی برای جستجوی صحت اخبار و توضیح آن برای خوانندگان نمی‌کند. در میان سطرهای زین‌الخبار نشانه‌هایی از بی‌رغبتی نویسنده به نگارش تاریخ دیده می‌شود. گردیزی با نامیدن خود به عنوان «گردآورنده» یا «فرازآورنده» کتاب<sup>۶۳</sup>، از پذیرش مسئولیت‌های یک مورخ حرفه‌ای اجتناب می‌کند. با وجود این که گردیزی آشکارا تحت تأثیر آثار ابوریحان قرار داشته<sup>۶۴</sup> اما این امر تأثیری در روش تاریخ‌نگاری وی نداشته است.

از آغاز روایت تاریخ غزنویان است که گردیزی به روش تاریخ‌نگاری و نقد منابع قلم می‌پزد؛ چنان که گویی تاریخ وی از این قسمت تازه شروع شده است. گردیزی سلطنت محمود غزنوی را با این جملات آغاز می‌کند: «آغاز کردیم به گفتن اخبار یمین الدوله رحمة الله علیه، بر طبق ایجاز و اختصار از آن چه از همه اخبار که خواندیم، هیچ چیزی را آن حال نبود که اخبار او را. که آن چیزها دیگر به استماع شنیدیم و از کتب خواندیم و شاید بود که مصنفان و راویان اندران تصنیف‌ها و اخبار کم و بیش آورده و گفته‌اند از بهر تعجب سخن را

---

61. Philo Alid.

62. Danial, 124.

۶۳. گردیزی، ۳۷۹، ۵۴۴.

64. Danial, 120.

و عزیز کردن کتاب را. اما این اخبار بیشتر از وی آن بوده است که به رأی العین خویش بدیدیم که امیر محمود اندر هندوستان چه کرد...».<sup>۶۵</sup> گردیزی در این سطور روش تاریخ‌نگاری خویش را که مبتنی بر نقل روایات بر پایه اخبار کتبی، شفاهی و عینی است، را شرح می‌دهد. وی منابع مورد استفاده‌اش در نگارش وقایع پیشاغزنوی را نقد می‌کند؛ حال پرسش اساسی این است که چرا گردیزی از اول به نقد منابع یا روایات نمی‌پردازد؟ یا دغدغه‌اش را درباره منابع با مخاطب در میان نمی‌گذارد؟ اکنون او اعتراف می‌کند که اعتمادی به منابع پیشین نداشته، چون «گفته‌اند از بهر تعجب سخن را و عزیز کردن کتاب را»؛ پس معیار گردیزی برای راستی آزمایی اخبار چه بوده است؟

گردیزی در ادامه می‌نویسد: «... پس من از جمله اخبار دولت این خاندان [غزنوی] را ادام الله ثباتها، آن چه خوش‌تر و عجب‌تر بود، التقاط کردم و این‌جا بیاوردم. هر چند که بتوانستم مختصر کردم. اگر به شرح مشغول گشتمی بسیار آمدی، پس از آن اخبار انتخاب کردم و این‌جا بیاوردم».<sup>۶۶</sup> گردیزی برای بزرگ‌نمایی هر چه بیشتر دولت متبوع خویش، تلاش می‌کند تا هرگونه شک و شبهه را از خوانندگان خود دور کند. از این رو بر درستی روایات بعدی، شامل وقایع حکومت سلطان محمود، صحه می‌گذارد و برای اطمینان بخشی، بر عینی بودن این اخبار تأکید می‌کند.<sup>۶۷</sup> گردیزی نشان می‌دهد که مشروعیت‌سازی برای غزنویان، در عمل بر او بسیار تأثیر گذاشته است؛ به حدی که تاریخ پیشاغزنوی را بی‌اهمیت جلوه می‌دهد و برای نقد اخبار و منابع تعهدی نداشته است.

انتقادات گردیزی بیشتر بر نقد اشخاص استوار است. این اشخاص افراد گوناگونی را تشکیل نمی‌دهند و معمولاً شامل شاهان یا امیران و خلفا هستند. گردیزی در مقایسه بین امین و مأمون، عدالت پروری مأمون را در برابر امین قرار می‌دهد. در حالی که «مأمون اندر

۶۵. گردیزی، ۳۷۹.

۶۶. همو، ۳۸۰.

۶۷. همو، ۳۷۹.



خراسان عدل بگسترد و رسم‌های نیکو نهاد»،<sup>۶۸</sup> «محمد امین در بغداد به طرب مشغول شد و کسی او را ندیدی از مستی و لهو». <sup>۶۹</sup> گردیزی این گونه انتقادات را دوباره در مورد محمد بن طاهر نیز تکرار می‌کند، عواملی که در نهایت باعث شورش در طبرستان شدند: «[خلیفه] مستعین خراسان مر محمد بن طاهر را داد و محمد بن طاهر غافل و بی‌عاقبت بود. سر فرود برد به شراب خوردن و به طرب و شادی مشغول گشت تا به سبب غفلت او طبرستان بشورید». <sup>۷۰</sup>

درباره روش تبیینی <sup>۷۱</sup> گردیزی می‌توان گفت او تحت تأثیر اندیشه ماتریدی، رویکردی دو گانه دارد. گاهی به ریشه‌یابی و علل حوادث تاریخی می‌پردازد و گاهی تقدیر را عامل واقعه می‌خواند. گردیزی درباره ماجرای پایانی زندگی ابومسلم می‌نویسد: «قضا آمده بود، ابومسلم را بصر بشد». <sup>۷۲</sup> هم‌چنین است درباره سرانجام سلطان مسعود غزنوی که گردیزی با جملاتی حزن‌انگیز آن را ذکر می‌کند: «... و چون امیر شهید چنان دید و جای سیاست به کار بستن و حرب کردن نبود، اندر رباط ماریگله رفت و آن شب اندر رباط نبود و چون روز دیگر بود بیرون آمد و بسیاری بکوشید. قضا آمده بود و هیچ نتوانست کرد». <sup>۷۳</sup>

در نگاهی کلی، گردیزی تلاش نموده‌است تا از جملات شک‌برانگیز و تکراری مثل «و خدا بهتر می‌داند...» اجتناب کند. او در برخی حوادث به دنبال تعلیل بوده، عاملی که سبب استحکام این روایات شده‌است. سبک نگارش گردیزی به گونه‌ای است که نخست با جمله‌ای اصل و اساس واقعه را ذکر می‌کند و سپس در جملات بعدی اسباب آن را ذکر می‌کند و به عبارت دیگر از تبیین روایی استفاده کرده‌است. او به علل مختلف، دلایل کوچک و

۶۸. گردیزی، ۱۶۵.

۶۹. همو، ۱۶۵.

۷۰. همو، ۳۰۳.

۷۱. درباره تبیین در تاریخ و انواع آن رک. استنفورد، ۲۲۷؛ مفتخری، ۸۸، ۱۰۱؛ اتکینسون، ۳۶، ۳۷.

۷۲. گردیزی، ۲۷۰.

۷۳. همو، ۴۴۰.

بزرگ و عوامل طولانی مدت توجه نشان می‌دهد. دلایل قیام استادسیس، پیشرفت‌های یعقوب بن لیث، اعدام حسنگ وزیر، حملات سلطان مسعود به ماوراءالنهر و حتی دلیل استحکام قلعه‌ی کالنجار، نمونه‌هایی از تبیین‌های گردیزی هستند.

گردیزی دلایل قیام استادسیس را در زمان حکومت اسید بن عبدالله بر خراسان، ذکر می‌کند: «... به روزگار امارت او [اسید بن عبدالله] به خراسان، استادسیس بادغیسی بیرون آمد و به پیغمبری دعوت کرد و راه به آفرید گرفت. سبب آن بود که به آفریدیان بادغیسی سوی مهدی نامه کردند که ما مسلمان شدیم بر دست تو، ما را تقدیری کن».<sup>۷۴</sup> پس مهدی دستور داد تا بادغیسیان برای غزا به کابل روند و «ایشان را از این فی تقدیری کرد». چون جنگ پایان یافت غنایم اندکی به بادغیسیان دادند در نتیجه «ایشان به خانه‌های خویش باز شدند و مرتد گشتند. و استادسیس بیرون آمد».<sup>۷۵</sup>

در عباراتی دیگر، گردیزی عواملی که باعث اوج گرفتن کار یعقوب بن لیث شد را توضیح می‌دهد، عواملی چون ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی مثبت: «یعقوب بن لیث مردی مجهول بود و سبب رشد او آن بود که به آنچه یافتی و داشتی جوان مرد بودی و با مردمان خوردی و نیز با آن هوشیار بود و مردانه همه قریبان او را حرمت داشتی و به هر شغلی بیفتادی میان هم شغلان خویش پیشرو، او بودی».<sup>۷۶</sup> گردیزی درباره فتوحات سلطان محمود، مشکلاتی را که وی در حمله به قلعه کالنجار به آن‌ها دچار شد را نیز ذکر می‌کند که به عقیده وی دلیل محاصره طولانی مدت، مستحکم بودن آن قلعه بوده است: «گرداگرد قلعه، لشکر او [سلطان محمود] فرود آمدند و تدبیرها همی کرد از آن چه این قلعه بر جای سخت بلند و منیع بود. چنان که حیلت را و مردی را بدو راه نبود. و نیز بنای حصار بر سنگ خاره بود که حفر کردن و بریدن را وجه نبود و تدبیر دیگر دست نداد. فرود نشست و چند

۷۴. همو، ۲۷۶.

۷۵. همو، ۲۷۷.

۷۶. همو، ۳۰۵.

روز بماند بر آن جا...»<sup>۷۷</sup>.

گزارش و شرح دلایل اعدام حسنگ از سوی گردیزی را می‌توان با روایت بیهقی از ماجرای حسنگ وزیر مقایسه کرد. در این‌جا کاملاً روشن می‌شود که تا چه میزان گردیزی در زین‌الخبار به خلاصه کردن روایت‌ها پرداخته‌است. داستان حسنگ وزیر و دلایل اعدام او به روایت گردیزی فقط چند سطر است: «و مر حسن بن محمد المیکالی را باز داشته بود، بفرمود تا او را مصادره کردند و مالی از وی به حاصل آمد. پس بفرمود تا او را به شهر بلخ بردار کردند و سبب آن بود: که اندران وقت که امیر جنگ از امیر محمد دستوری خواست و به حج رفت. چون از حج باز آمد به راه شام از آن‌چه راه بادیه شوریده بود و از شام به مصر رفت و از عزیز مصر خلعت ستد. او را متهم کردند که او به عزیز مصر میل کرد و بدین تهمت رجم بر وی لازم شد. پس امیر مسعود بفرمود تا خودی بر سر او نهادند و او را بر دار کردند و سنگریز کردندش»<sup>۷۸</sup>. در پایان ماجرای حسنگ، گردیزی می‌افزاید که این سرانجام همه مخالفان سلطان مسعود بود: «و هر کسی که امیر مسعود را خلاف کرده بود و با خصم او مطابقت کرده بود، همه را به دست آورد و هر یکی را از ایشان عقوبتی کرد و همه را مستأصل گردانید»<sup>۷۹</sup>. در حقیقت گردیزی به نوعی شخصاً قضاوتی نمی‌کند و خواننده را در قضاوت راجع به امیر مسعود و اقدامات وی مختار می‌گذارد.

گردیزی در ادامه به تحلیل حمله سلطان مسعود به ماوراءالنهر می‌پردازد. او دلایلی که سبب شد مسعود حمله را آغاز کند برمی‌شمارد: «و خبر آوردند امیر مسعود را که سوی ماوراءالنهر شورش خاسته است از جهت پورتگین و لشکریان او که بر رعایا از ایشان رنج همی‌رسد. امیر شهید قصد کرد که آن را تدارک کند زیرا که خان بزرگ قدرخان بمرده بود و از پورتگین رعایا نفرت گرفته. اندیشید که مگر اندرین فرصت ماوراءالنهر خویشان را

۷۷. همو، ۴۰۳.

۷۸. همو، ۴۲۴.

۷۹. همو، ۴۲۵.

### نتیجه

از نظر گونه‌شناسی زین‌الخبار گردیزی ترکیبی از سه گونه تاریخ عمومی، سلسله‌ای و محلی است. سبک تاریخ‌نگاری منشپانه گردیزی به زبان فارسی نشان می‌دهد نگارش تاریخ‌های ایرانی از تاریخ‌نگاری مطولّ اسنادی و حدیث‌محور عربی تا حدودی جدا شده، اما هم‌چنان نقل‌گرایی وجه غالب در زین‌الخبار است. با این وجود گردیزی تلاش نموده در برخی روایات به تحلیل و تبیین‌هایی روایی دست بزند. در نتیجه وی در برابر رویکرد عقلانی و نقلی موضعی میانه را برگزیده است. نقطه ضعف گردیزی پابندی بیش از حد به خلاصه‌نویسی است، عاملی که باعث غفلت مورخ از پرداختن به نقد منابع و کم‌رنگ بودن ارتباطات او با خوانندگان شده است. از نقاط قوت زین‌الخبار بخش‌های پایانی کتاب است جایی که در آن مورخ به معرفی قبایل گوناگون، آداب و رسوم و عقاید ملل دیگر می‌پردازد. اتصال این بخش با بدنه اصلی کتاب هر چند نامتوازن به نظر می‌رسد اما نشان‌دهنده اهمیت رویکرد اجتماعی و کلی‌نگری در بینش تاریخ‌نگاری گردیزی است.

### کتابشناسی

- اتکینسون، آر.اف، «فلسفه تاریخ: نگاهی به دیدگاه‌های رایج در فلسفه معاصر تاریخ»، فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری، ترجمه حسین‌علی نوذری، تهران، طرح نو، ۱۳۹۲ش.
- استنفورد، مایکل، درآمدی بر فلسفه تاریخ، احمد گل محمدی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۴ش.
- بارتولد، و.و، ترکستان‌نامه، کریم کشاورز، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۶ش.
- باسورث، کلیفورد ادموند، «تاریخ‌نگاری دوره غزنوی»، تاریخ‌نگاری در ایران، یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، ۱۳۸۸ش.
- ترکمنی آذر، پروین، تاریخ‌نگاری در ایران، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

۱۳۹۲ ش.

همو، درآمدی بر تاریخ‌نگاری در ایران، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۶ ش.  
جمشیدی، محمدحسن، و علی محمد مؤذنی، «اندیشه سیاسی متجلی در ساختار روایتگری زین  
ال‌اخبار گردیزی»، زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه خوارزمی)، سال ۲۸، ش ۸۸، بهار و تابستان ۱۳۹۹.  
حبیبی، عبدالحی، مقدمه زین‌ال‌اخبار رک. گردیزی.

شعبان زاده لمر، بهمن، «بررسی اندیشه‌های تاریخی-سیاسی مورخان عصر غزنوی با تکیه بر عتبی،  
بیهقی و گردیزی»، تاریخ‌نامه خوارزمی، ش ۳، بهار ۱۳۹۳.  
فروزانی، ابوالقاسم، «زین‌ال‌اخبار گردیزی اثری که باید از نو شناخته شود»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیه،  
شماره ۴ و ۵، بهمن و اسفند ۱۳۷۶.

گردیزی، عبدالحی بن ضحاک، زین‌ال‌اخبار، به‌کوشش عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب،  
۱۳۶۳ ش.

مفتخری، حسین، مبانی علم تاریخ، تهران، سمت، ۱۳۹۲ ش.

میثمی، جولی اسکات، تاریخ‌نگاری فارسی، ترجمه محمد دهقانی، تهران، نشر ماهی، ۱۳۹۱ ش.  
موسی‌پور، ابراهیم، «تاریخ اجتماعی رویکردی نوین به مطالعات تاریخی»، تاریخ و تمدن اسلامی،  
ش ۶، زمستان ۱۳۸۶.

Daniel. L. Elton, "The Rise and Development of Persian Historiography", in *Persian Historiography*, ed. Charles Melvill, London, I.B.Tauris, 2012.

Nazim, Muhammad, *The Life and Times of Sultan Mahmud of Ghazna*, Cambridge, Cambridge University Press, 1931.